



## ارائه الگوی الزامات حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با تکیه بر دانش مالی انتقادی

رضا مظفری<sup>۱</sup>

محمد رضا پورعلی<sup>۲\*</sup>

محمود صمدی لرگانی<sup>۳</sup>

سید فخرالدین فخرحسینی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳

### چکیده

حسابداری انتقادی شاخه ای از تئوری حسابداری است که در آن به نقش محوری حسابداری در قضاوت بین شرکت های مختلف و حوزه های اجتماعی مثل مصرف کنندگان و عموم مردم تاکید دارد. اصول و الزامات حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، یکی از مؤلفه های متمایزکننده است که مدیران شرکت ها را در راستای اخذ تصمیمات مطلوب و راهبردی به منظور دستیابی به اهداف متناسب با اخلاق حرفه ای و توجه به مبانی اصولی هدایت و راهبری می نماید، اما دخیل نمودن الزامات و اصولی که بتواند سطح انتظارات ذینفعان را ارتقاء دهد می تواند این نوع از حسابداری را به نتایج مطلوبی برساند که اتکاء به اصول تفکر انتقادی که در پی اقناع سازی و شفاف سازی مالی در بین ذینفعان شامل سهامداران و مشتریان شرکت ها می باشد، زمینه ساز و بستر ساز مناسبی برای این مهم است، با بررسی های صورت گرفته از پژوهش های مرتبط با الزامات حسابداری در شرکت ها، توجه به نقش دانش مالی انتقادی مغفول مانده است، به همین منظور، در مقاله حاضر، این خلأ تحقیقاتی مورد بررسی قرار می گیرد، لذا عوامل مؤثر بر الزامات حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مبتنی بر اصول تفکر انتقادی، بر اساس نظرات ۱۵ نفر از خبرگان (اساتید دانشگاه که دارای مرتبه علمی استادیار پایه ۱۵ به بالا و یا حداقل دانشیار بوده اند)، به صورت نمونه گیری هدفمند و در دسترس انتخاب شدند، شناسایی و در قالب الگوی پارادایمی نظریه داده بنیاد ارائه می شود. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل تاثیر گذار در بخش عوامل علی شامل توسعه تبادلات و ارتباطات، حاکمیت شرکتی و رویکرد سیستماتیک، در بخش عوامل محوری شامل ارتقاء رویکرد استراتژیک، تقویت شاخص های مدیریتی و اصول انتقادی، در بخش عوامل زمینه ساز شامل مدیریت ذینفعان، در بخش عوامل مداخله گر شامل شرایط محیطی، در بخش عوامل راهبردی شامل توسعه مسئولیت پذیری اجتماعی، نیازسنجی استراتژیک، مقبولیت بخشی و مشروعیت بخشی و در بخش عوامل پیامد ساز شامل توسعه سیستماتیک، شاخص های مالی و رشد فزاینده سهم بازاری باشند.

**کلمات کلیدی:** الگوی پارادایمی، الزامات حسابداری، تفکر انتقادی، اصول

<sup>1</sup> دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران [Rmozaaffarir803@gmail.com](mailto:Rmozaaffarir803@gmail.com)

<sup>2</sup> دانشیار گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول) [Pourali@iauc.ac.ir](mailto:Pourali@iauc.ac.ir)

<sup>3</sup> استادیار گروه حسابداری، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران [mstlargani@gmail.com](mailto:mstlargani@gmail.com)

<sup>4</sup> دانشیار گروه حسابداری، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران [Sf.fakhrhosseini@iau.ac.ir](mailto:Sf.fakhrhosseini@iau.ac.ir)

## مقدمه

یکی از چند رهیافت در تحقیق اجتماعی که بر مبارزه با تحریف‌های ظاهری، سطوح چندگانه واقعیت و فعال‌گرایی مبتنی بر ارزش‌ها در راستای توانمندسازی انسان تأکید دارد، پارادایم انتقادی است (نظری و همکاران، ۱۳۹۷؛ مهتدی و همکاران، ۱۳۹۷). طرفداران این پارادایم می‌گویند اکنون که مسلم گشته است این ساختارهای تاریخی تعدیل یافته به شکل نادرستی به عنوان واقعیت‌های مطلق تلقی می‌شوند وظیفه این است که به دنبال چگونگی تغییر این ساختارها بوده و به منظور برانگیختن کنش‌های ضروری برای ایجاد تغییر، چاره‌اندیشی شود (رودپشتی و گودرزی، ۱۳۸۹). از ویژگی‌های مهم تفکر انتقادی مواردی چون استدلال کردن، به دنبال عمل بودن، ارزیابی علت‌ها و در نهایت رسیدن به یک نوع خودآگاهی است (بوکارو، ۲۰۱۹). تفکر انتقادی در حسابداری را می‌توان در ظهور ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری مانند: بی‌طرفی، عینیت و بیان صادقانه در چارچوب مفهومی گزارشگری مالی که در اکثر کشورها وجود دارد، بیان نمود. از دیدگاه پژوهشگران انتقادی این ویژگی‌ها نوعی مشروعیت بخشی به فعالیت واحدهای تجاری تهیه‌کننده اطلاعات است. از دیدگاه تفکر انتقادی، حسابداران این مشروعیت را ایجاد می‌کنند به گونه‌ای که اطلاعاتی را که برای اندازه‌گیری و افشا مهم نیستند، خود تعیین می‌کنند و این بدان معنا است که حسابداری ابتدا مسئله‌ای را خود طرح و بعد آن را حل می‌کند نه این که مسئله طرح شده را حل کند (براون و دیلارد، ۲۰۱۳). یکی از مسائل طرح و حل شده توسط حسابداران، تعریف و تصویر سنتی از حسابداری است. تاکنون تعابیر، تصاویر و تعاریف گوناگونی از حسابداری صورت گرفته است. برخی از آن‌ها عبارتند از حسابداری به عنوان هنر، فن، علم، فعالیت خدماتی، ایدئولوژی، زبان، ثبت تاریخی، واقعیت اقتصادی، کالا، سیستم اطلاعاتی، افسانه و داستان، نقل مدون و... (ریاحی، ۲۰۱۴؛ لیولاین و میلن، ۲۰۰۷). اما با توجه به تفکر انتقادی، شرایط موجود مطابق با آن‌چه در حال حاضر حسابداران به آن باور دارند و به آن عمل می‌کنند، نیست و تمامی تعابیر، تصاویر و تعاریف فوق

مورد انتقاد قرار می‌گیرد. حاصل این انتقادات به وجود آمدن نظریه حسابداری با تفکر انتقادی به عنوان تعبیر و تصویری نو از حسابداری است که اخیراً مورد توجه قرار گرفته است (مادیل، ۲۰۱۷؛ ماسینگهام، ۲۰۱۷؛ مورالس و اسپانیم، ۲۰۱۷). تفکر انتقادی، دیدگاهی گسترده‌تر از دو پارادایم اثبات‌گرایی و تفسیری دارد (رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۵). حسابداری مدیریت استراتژیک به فرایند تجزیه و تحلیل، تفسیر و دسته‌بندی اطلاعات مختلف حسابداری در راستای اهداف و استراتژی‌های یک سازمان گفته می‌شود که به منظور برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و ارزیابی یک سازمان توسط مدیر مورد استفاده قرار می‌گیرند. برامویچ (۱۹۹۰) در تعریف حسابداری مدیریت استراتژیک بیان می‌کند فراهم سازی و تحلیل اطلاعات مالی درباره بازار محصولات یک شرکت و هزینه‌ها و ساختارهای هزینه‌های رقبا و نظارت استراتژی‌های شرکت و استراتژی‌های رقبا در این بازارها در طی چند دوره زمانی. از نظر دیکسون و اسمیت (۱۹۹۳، ص ۶۰۵)، حسابداری مدیریت استراتژیک به این صورت تعریف می‌گردد: فراهم سازی و تحلیل اطلاعات مربوط به فعالیت‌های داخلی یک شرکت، فعالیت‌های داخلی رقبا آن و روندهای بازار فعلی و آینده، به منظور کمک کردن به فرآیند ارزیابی استراتژی آن (آل سید و حدید، ۲۰۲۱). حسابداری مدیریت استراتژیک عبارتست از تهیه و پردازش اطلاعات مالی مربوط به بازارهای محصولات شرکت و هزینه‌ها و ساختار هزینه‌های رقیبان و همچنین نظارت بر استراتژی‌های بنگاه و آن دسته از رقیبان آن که بیش از یک دوره در این بازار حضور دارند (پورعلی و حجامی، ۱۳۹۳). ارتباط بین استراتژی، سیستم‌های کنترل مبتنی بر حسابداری مدیریت و عملکرد، توجه فراوانی را در پژوهش‌های حوزه‌ی حسابداری و مدیریت جلب کرده است (لنگ فیلد - اسمیت، ۱۹۹۷؛ توکر و همکاران، به نقل از کاگلیو، ۲۰۱۷). در نتیجه، با توجه به این که حسابداری مدیریت استراتژیک از پارادایم‌های اساسی به خصوص پارادایم انتقادی برخوردار است، می‌تواند دارای یک سری اصول باشد. بدین منظور، انجمن حسابداران مدیریت خبره و حسابداران رسمی آمریکا مجموعه

میلن، ۲۰۰۷). اما با توجه به تفکر انتقادی، شرایط موجود مطابق با آنچه در حال حاضر حسابداران به آن باور دارند و به آن عمل می‌کنند، نیست و تمامی تعابیر، تصاویر و تعاریف فوق مورد انتقاد قرار می‌گیرد. حاصل این انتقادها به وجود آمدن نظریه حسابداری با تفکر انتقادی به عنوان تعبیر و تصویری نو از حسابداری است که اخیراً مورد توجه قرار گرفته است (مادیل، ۲۰۱۷؛ ماسینگهام، ۲۰۱۷؛ مورالس و اسپانیم، ۲۰۱۷).

### حسابداری مدیریت از منظر رویکرد دانش مالی انتقادی

برخی از مطالعات مربوط به حسابداری مدیریت بر ابعاد فنی حسابداری اجتماعی و محیطی (مادل، ۲۰۱۷) و گزارش وابسته (مورالس و اسپانیم، ۲۰۱۷) تمرکز دارند؛ در حالی که بقیه عوامل وابسته به افشا (عدم افشاء) عملکرد اجتماعی و محیطی سازمانی را تحلیل کرده‌اند (ریچاردسون، ۲۰۱۵). با این وجود بقیه اشکال حسابداری را تحلیل و پیشنهاد کرده که جایجایی و اقدام به سوی جوامع اجتماعی تر و اکولوژیک تر را تسهیل خواهد کرد (منتظری، ۲۰۱۴). مطالعاتی که به صورت وابسته به نظارت سازمانی در یک مفهوم وسیع دیده می‌شود، به طور صریح به این موضوع اشاره دارند (بارل و مورگان، ۱۹۷۹). برخی مطالعات نیز نمونه‌هایی از شیوه‌ای را ارائه می‌دهند که حسابداری در شیوه‌های مضر به لحاظ محیطی، کیفی، غیراخلاقی مشمول می‌شود و کسانی که موضوعات پدید آمده را بررسی می‌کنند همانند حقوق بشر (چابراک، ۲۰۱۲). محققینی نظیر براون (۲۰۰۹)، بریکر و پرویتس (۱۹۹۰)، بویر (۱۹۹۹) و بک (۱۹۹۲) از این دید به مسائل حسابداری انتقادی توجه دارند. زیرا مولفین به طور صریح همدردی خود برای تحقیقات فرونتیک را بیان می‌کنند. مساله‌ی اجتماعی تحریک‌کننده‌ی مطالعه‌ی آنها، ظاهراً مجرای نامحدود کار خلاف قانون سازمانی با مقررات محکمی است که با رسوایی دیگری دنبال می‌شود. در امریکای شمالی

اصول حسابداری مدیریت استراتژیک را ارائه و درصدد تصویب آن می‌باشند (گافکین و همکاران، به نقل از پورعلی و همکاران، ۱۴۰۲). حسابداری مدیریت انتقادی، تلاشی جهت درک رویه‌های حسابداری مدیریت در سطح خرد و تسری آن به سطح کلان اجتماعی و سیاسی می‌باشد. در همین راستا؛ این تحقیق بر اساس اهمیت توجه به رویکرد انتقادی در حوزه-ی حسابداری مدیریت استراتژیک به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که عوامل مؤثر در الزامات حسابداری مبتنی بر اصول تفکر انتقادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران کدام‌اند؟

### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

#### دانش مالی انتقادی در حسابداری

تفکر انتقادی در حسابداری را می‌توان در ظهور ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری مانند: بی‌طرفی، عینیت و بیان صادقانه در چارچوب مفهومی گزارشگری مالی که در اکثر کشورها وجود دارد، بیان نمود. از دیدگاه پژوهشگران انتقادی این ویژگی‌ها نوعی مشروعیت بخشی به فعالیت واحدهای تجاری تهیه‌کننده اطلاعات است. از دیدگاه تفکر انتقادی، حسابداران این مشروعیت را ایجاد می‌کنند به گونه‌ای که اطلاعاتی را که برای اندازه‌گیری و افشا مهم نیستند، خود تعیین می‌کنند و این بدان معنا است که حسابداری ابتدا مسئله‌ای را خود طرح و بعد آن را حل می‌کند نه این که مسئله طرح شده را حل کند (براون و دیلارد، ۲۰۱۳). یکی از مسائل طرح و حل شده توسط حسابداران، تعریف و تصویر سنتی از حسابداری است. تاکنون تعابیر، تصاویر و تعاریف گوناگونی از حسابداری صورت گرفته است. برخی از آنها عبارتند از حسابداری به عنوان هنر، فن، علم، فعالیت خدماتی، ایدئولوژی، زبان، ثبت تاریخی، واقعیت اقتصادی، کالا، سیستم اطلاعاتی، افسانه و داستان، نقل مدون و... (ریاحی، ۲۰۱۴؛ لیولاین و

<sup>5</sup> Montazeri

<sup>6</sup> Burrell & Morgan

<sup>7</sup> -Chabrak

<sup>1</sup> Brown & Dillard

<sup>2</sup> Modell

<sup>3</sup> Morales & Sponem

<sup>4</sup> Richardson

غیرمستقیم ندارد نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در واحدهای کسب و کار نتیجه گرا، پیاده سازی رویکردهای حسابداری مدیریت ممکن است محدود به عملکردهای حسابداری نباشد. مدیران در سایر عملکردها ممکن است انگیزه لازم را برای پیاده سازی رویکردهای حسابداری مدیریت داشته باشند، حتی زمانی که حسابداران مدیریت، بخشی از فرایند نباشند. بسوگلو و کراسلت<sup>۵</sup> (۲۰۲۰) در مقاله‌ی خود نشان داد که سطح پایین خوانایی به میزان معناداری تمایل به ریسک پذیری مفید را در حسابداری مدیریت کاهش می‌دهد، پدیدای که از طریق اثر بار شناختی قابل تبیین است. همسو با تأثیرات زبان خارجی، ما شواهدی را ارائه می‌دهیم که نشان می‌دهد استفاده از یک زبان خارجی همراه با سطح خوانایی بالا تمایل به پذیرش ریسک‌های مفید را افزایش می‌دهد. تحقیقات بیشتر نشان داد که اثر زبان خارجی فقط برای سطوح متوسط و بالای مهارت‌های زبانی وجود دارد و با کاهش حساسیت به بهترین وجه می‌توان آن را تبیین کرد. مازویی و همکاران<sup>۴</sup> (۱۳۹۸) در تحقیق خود به تبیین نقش بازیگران فنی و انسانی بر کارکردهای سیستم حسابداری مدیریت با استفاده از نظریه شبکه کنشگران است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که کنشگران فنی و انسانی نقش مؤثری در بهبود کارکردهای نظام حسابداری مدیریت ایفا می‌نمایند و برخلاف رویکرد سنتی متداول، در رویکرد کنشگری این بازیگران به‌عنوان مداخله‌گرانی که توانایی تأثیر و تغییر تصمیم‌های استراتژیک را دارند نگریسته می‌شوند و ما را در جستجوی منابع تغییرات بلندمدت سیستم حسابداری مدیریت و نقش آن‌ها در جامعه پیرامونمان کمک می‌نمایند. از این رو الگوهای برنامه ریزی، کنترل و ارزیابی به‌عنوان وظایف حسابداری مدیریت فراتر از بخش‌های مالی تغییر و توسعه‌یافته است و با

پس از اینرون<sup>۱</sup>، حسابرسان و کمیته‌های حسابرسی به عنوان مسئول انحراف سازمانی با به رسمیت نشناختن به موقع آن مورد اشاره قرار گرفتند. در نتیجه، مقررات تازه ایجاد شده همانند قانون ساربنز - آکسلی<sup>۲</sup> (SOX) و مقررات کانادایی متناظر، صریحاً شیوه‌های نظارت خوب مربوط به حسابرسی و کنترل داخلی، واگذاری مسئولیت‌های ویژه به کمیته‌های حسابرسی را معرفی کردند. یک توصیه مهم در SOX این است که کمیته‌های حسابرسی را به طور مستقیم مسئول انتصاب، پاداش‌دهی و نظارت کار صورت گرفته توسط یک موسسه حسابرسی می‌سازد. یک بحث مشابه از پیشنهادات بهترین شیوه‌ی موسسات کارشناسی پدید می‌آید که کوشش مضاعف کمیته‌های حسابرسی را ارتقا می‌دهد. با در نظر گرفتن چنین توصیه‌هایی که با تفسیر از سوی موارد مفروض برای تصویب آن‌ها مواجه می‌شوند، گندرون<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) بررسی می‌کند که چطور اعضای کمیته‌ی حسابرسی کانادا مقررات جدید را شناختند و بر اساس آن‌ها عمل کردند و رهنمودهای بهترین شیوه‌ی حرفه‌ای برای ارتقاء نقش کمیته‌های حسابرسی طراحی شد. منطبق بر تر نشان داده شده در پاسخ‌های مصاحبه- شونده‌گان، مقاومت بود. زیرا آن‌ها مقررات جدید را به عنوان نمونه‌ای از واکنش غیرعادی یا یک روش ناکارآمد برای غلبه بر مشکلات می‌دیدند که احتمالاً تا ابد پافشاری می‌کند. آن‌گاه جای تعجب ندارد که تغییرات تأثیرگذار در کمیته‌های حسابرسی تمایل داشتند ذاتاً نمادین و ظاهری باشند، در حالی که شیوه‌های مربوط به مسائل ذاتی بدون تغییر ماندند (دیلارد و ویناری، ۲۰۱۶).

#### پیشینه تحقیق

حدید و ال سید<sup>۴</sup> (۲۰۲۱) در مقاله‌ی خود به بررسی الزامات حسابداری پرداختند. در این تحقیق، تأثیر مستقیم فرهنگ نتیجه گرا بر پیاده سازی الزامات مدیریتی در حسابداری مورد بررسی قرار می‌گیرد اما از طریق شبکه سازی بین مدیران تأثیر

<sup>4</sup> Hadid & Al-Sayed

<sup>5</sup> Besuglov & Crasselt

<sup>1</sup> -Enron

<sup>2</sup> -Sarbanes

<sup>3</sup> Gendrom

به‌کارگیری مفهوم شبکه کنشگر و فرآیند تفسیر بهتر می‌توان ماهیت چندوجهی ارتباط بین کنشگران مختلف را نظاره نمود.

### روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق این مقاله، با توجه به این که به یکی از مباحث حوزه‌ی الزامات حسابداری در شرکت‌های بورسی می‌پردازد و در نهایت راهکارهایی ارائه می‌شود، از منظر هدف کاربردی است و از منظر گردآوری داده‌ها به صورت توصیفی از نوع اکتشافی است. در راستای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش نظریه داده‌بنیاد به منظور طراحی الگوی پارادایمی تحقیق استفاده می‌شود، روش نظریه‌ی داده بنیاد را روشی مناسب برای کشف زمینه‌های جدید که اطلاعات محدود و ناقصی در رابطه با آن‌ها در محیط مورد این روش به دلیل تناسب آن با محیط مورد مطالعه و تأکید آن بر داده‌های برگرفته از زمینه به جای نظریه‌های موجود کارآمدتر، عملی و قابل اجرا می‌باشد (محمدپور، ۱۳۹۲). در راستای تعیین جامعه و نمونه‌ی آماری تحقیق، محقق در فاز کیفی، به منظور دستیابی به اشباع نظری از طریق نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس با ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه که دارای مرتبه علمی استادیار با پایه ۱۵ به بالا و یا حداقل دانشیار بوده‌اند و دارای مدرک دکتری تخصصی حسابداری یا مدیریت مالی بوده‌اند مصاحبه نموده است.

### یافته‌ها

از طریق کدگذاری باز ۱۱۰ مفهوم بدست آمد که با طبقه‌بندی این مفاهیم ۳۰ مقوله فرعی شکل گرفت و در مرحله کدگذاری محوری، حول ۹ مقوله اصلی و ۶ مقوله کلان طبقه‌بندی شدند. بر این اساس، روابط بین مقوله‌های اصلی و مدل پارادایمی حسابداری مدیریت مبتنی بر رویکرد انتقادی شکل گرفت. نهایتاً مقوله‌های آشکار شده در قالب ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی، با روابطی که بین آن‌ها وجود دارد نهایی شد که در ادامه به تشریح فرآیند کدگذاری و ارائه‌ی الگوی پارادایمی تحقیق بر اساس مصاحبه با خبرگان پرداخته می‌شود:

فرآیند تحلیل و نام‌گذاری مفاهیم، طبقه‌بندی و کشف ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها از طریق انجام مقایسه‌ای مداوم است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳). در این پژوهش مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل محتوا سطر به سطر بررسی و مفاهیم مشخص شدند که در نهایت ۱۱۰ مفهوم استخراج شد. عوامل شناسایی شده به تفکیک متغیرهای نظریه‌ی داده بنیاد به شرح ذیل می‌باشد:

**شرایط علی:** این شرایط باعث ایجاد و شکل‌گیری پدیده یا طبقه هسته‌ای می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳). کدهای مربوط به آن‌ها به شرح جدول (۱) است:

جدول(۱): کدهای باز و مقوله‌های مربوط به شرایط علی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
توسعه تبادلات و ارتباطات	فعال سازی شبکه‌های اجتماعی	سرمایه گذاری های مسئولانه، به کارگیری ابزارهای شبکه های اجتماعی، شبکه سازی در بین گروه های مختلف ذی نفع
	توسعه سیستم‌های اطلاعاتی	تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران، یکپارچه سازی اطلاعاتی، سطح دسترسی اطلاعاتی، یکسان سازی اطلاعاتی
حاکمیت شرکتی	ارتقاء سرمایه اجتماعی	ارتقای سطح مسئولیت اجتماعی، اعتمادسازی در بین سرمایه گذاران، فرصت رشد برابر برای سهامداران، اعتماد سرمایه گذاران نسبت به صورت های مالی، ارتقای عملکرد اجتماعی، مسئولیت واحدهای تجاری در قبال تأثیرشان بر جامعه، افشاء جداگانه تحت عنوان گزارش مسئولیت اجتماعی، فرصت رشد برابر برای سهامداران
	سطوح تصمیم گیری	مسئولیت پذیری و تفکیک مالکیت از مدیریت، ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، مالکیت سهامداران نهادی
رویکرد سیستماتیک	شفاف سازی	مسئولیت اجتماعی شرکتی و افشاگرهای مرتبط با آن، ساز و کارهای شفاف سازی، مکانیزم های حاکمیتی، شفافیت در اصول، قوانین و مقررات، ابعاد کنترلی و شفافیت اطلاعاتی
	سیستم های اطلاعاتی	گسترش مسئولیت پذیری شرکت ها، اولویت دهی به سهامداران، شفافیت و پاسخگویی
	الزامات و استراتژی ها	ثبت اطلاعات، انتقال اطلاعات، اشتراک داده‌ها، گزارشات مدیریتی تئوری سیستم‌ها، تفکر نظام‌مند، نظام‌سازی، حکمرانی مالی، دستورالعمل‌های مدیریتی، نقشه راه، استراتژی‌ها، مضامین راهبردی مدیران

**شرایط محوری:** حادثه یا اتفاق اصلی که یک سلسله کنش - حسابداری مدیریت با رویکرد انتقادی است که مشخصات آن های متقابل برای کنترل یا اداره آن وجود دارد و به آن مربوط می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳). مقوله محوری این تحقیق به شرح جدول (۲) می‌باشد:

جدول(۲): کدهای باز و مقوله‌های مربوط به مقوله محوری

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
همسویی و هم راستایی منافع، جهت دهی استراتژیک مالی، توسعه هدفمند شاخص های استراتژیک، یکپارچه سازی استراتژی های شرکت با مسئولیت های اجتماعی	هم راستایی استراتژیک	ارتقاء رویکرد استراتژیک
پیاده سازی بستر رقابت عادلانه، ارتقاء سطح رقابتی، رصد رقبا، ایجاد عرصه رقابتی ساز و کار کنترلی، ارزیابی استراتژیک شرکت ها، بررسی شاخص های استراتژیک و مالی شرکت ها	رقابت پذیری استراتژیک کنترل استراتژیک	
استراتژی ها و سیاست های هسته مرکزی سازمان، اهداف کسب و کار	تمرکز استراتژیک	
نفوذ بر افکار، مدیریت باورها، ارزش مداری، ایدئولوژی، خودآگاهی، رفتارشناسی مدیریت اعضای تیم، تیم مالی، تیم مدیریتی، ارتباطات تیمی، اهداف مشترک تیمی، هم-راستایی اعضای تیم در مسیر اهداف	الهام بخشی تیم محوری	شاخص های مدیریتی
برنامه ریزی، کنترل منابع مالی، کنترل استراتژیک، اندازه گیری، شناسایی بازخوردهای مالی	برنامه ریزی مالی	
رعایت اخلاق حرفه ای، رضایت روانی سهامداران، پاسخگویی مسئولانه، رویکرد مسئولانه به اهداف مالی، پاسخگویی به ذینفعان	اخلاق حرفه ای تعهد مسئولانه	اصول انتقادی
توجه به الزامات زیست محیطی، رویکرد حسابداری سبز، توسعه زیرساختی در حوزه زیست محیطی	اصول زیست محیطی	

**شرایط زمینه‌ای:** نشان دهنده یک سری خصوصیات ویژه است که به پدیده دلالت می‌کند. به عبارتی، محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیده در طول یک بعد است که در آن کنش متقابل برای کنترل، اداره و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد(استراوس و کوربین، ۱۳۹۳). مشخصات آن به شرح جدول(۳) است:

جدول(۳): کدهای باز و مقوله‌های مربوط به شرایط زمینه‌ای

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
حداکثر رساندن سود سهامداران، اطمینان سهامداران از ماندگاری طولانی مدت شرکت، توجه به حقوق سهامداران و توابع مالکیت کلیدی، رفتار منصفانه با سهامداران، رسمیت دادن به حقوق سهامداران	اعتمادسازی	مدیریت ذینفعان
نهادینه سازی اخلاق کسب و کار حرفه ای، ارتباط بین مدیران و سهامداران، همسوسازی دیدگاه و علایق سهامداران و مالکان، ایجاد فصل مشترک بین ذینفعان و شرکت،	فرهنگ سازی هدایت و راهبری	

شرایط مداخله‌گر: شرایط کلی که بر چگونگی فرآیندها و پدیده‌ها می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳). این شرایط به راهبردها تأثیر می‌گذارد. شرایطی که باعث تشدید یا تضعیف شرح جدول (۴) می‌باشد:

جدول (۴): کدهای باز و مقوله‌های مربوط به شرایط مداخله‌گر

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
شرایط محیطی	قوانین و مقررات دولتی	قدرت دولت، نفوذ ارکان حاکمیتی در شرکت‌های دانش‌بنیان، وضعیت شرکت‌ها، محدودیت‌ها، ضعف قوانین، عدم یکپارچگی قوانین
	ساز و کارهای اقتصادی کشور	عدم ثبات اقتصادی، انعطاف‌پذیری در بازار سرمایه، انعطاف‌پذیری در سازمان‌ها، سودآوری
	پیشران‌های محیطی	تکنولوژی، مصرف‌گرایی، رشد دانش، تأثیر تغییرات محیطی، علمی‌سازی، عقلانی‌سازی، سرعت پیشران‌های محیطی

شرایط راهبردی و شرایط پیامدساز: راهبردها به ارائه راه- حل‌هایی برای مواجهه با پدیده اشاره دارد که هدف آن اداره پدیده مورد مطالعه، برخورد با آن و حساسیت در برابر آن است و پیامدها نتیجه کنش و واکنش شرایطی است که در خصوص پدیده وجود دارد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳). در جدول (۵)، راهبردها و پیامدها ارائه شده است:

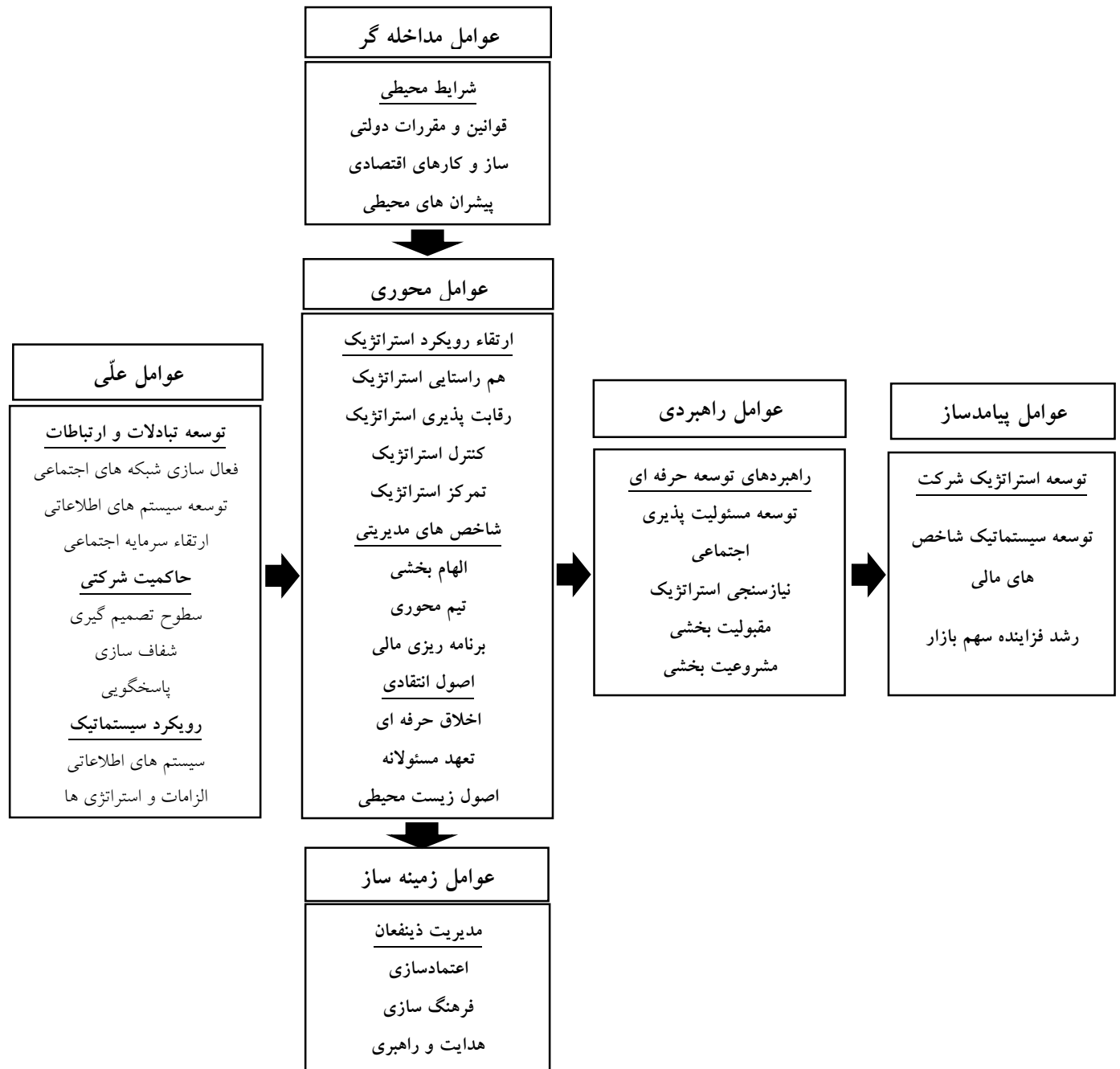
جدول (۵): کدهای باز و مقوله‌های مربوط به شرایط راهبردی و شرایط پیامد ساز

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
راهبردهای توسعه حرفه‌ای	توسعه مسئولیت‌پذیری اجتماعی	توسعه رویکرد مسئولیت‌های اجتماعی، اولویت‌های گزارش‌دهی مسئولیت‌های اجتماعی
	نیازسنجی استراتژیک	کنترل اثربخش کسب و کار، یکپارچگی بین مدیریت، اعضای هیئت مدیره و سهامداران، استقرار سیستم شفاف مالی، تعادل‌سازی بین نیازمندی‌های کسب و کار
	مقبولیت بخشی	گسترش مسئولیت‌پذیری، وفاداری به انتظارات، رفتارها و عقاید ارزشمند، احساس مسئولیت در مورد نهادهای موجود در جامعه، حفظ مشروعیت کسب و کار، ارتقای آموزش و ارتقا و حفاظت از فرهنگ،
پیامدها	توسعه استراتژیک شرکت	ارتقاء میزان وجوه نقد، فرصت رشد، تقویت اهرم مالی، ارتقاء بازده دارایی‌ها، سودآوری
	توسعه سیستماتیک شاخص‌های مالی	ایجاد و تقویت ورود به بازارهای جدید صادراتی، برقراری ارتباط و تعامل بیشتر با مشتریان، توسعه سهم بازار



### صورت بندی الگوی پارادایمی تحقیق

پس از دسته‌بندی مقوله‌های اصلی و فرعی، الگوی پارادایمی تحقیق به صورت شکل (۱) می‌باشد



شکل (۱): الگوی پارادایمی تحقیق

## بحث و نتیجه‌گیری

حسابداری انتقادی یک شاخه مهم از علم حسابداری بوده که در آن تفکر انتقادی نقش مهمی دارد. در این سیستم حسابداری در حل تضادهای بین شرکت و مشارکت کنندگان اجتماعی موثر خواهد بود. حسابداری انتقادی رابطه مستقیمی با رویکردهای اجتماعی دارد. در واقع حسابداری منافع همه گروه‌ها را به طور کاملاً یکسان در نظر می‌گیرد. حسابداری که در این شاخه از حسابداری فعالیت می‌کنند به این مسئله باور دارند که حسابداری از ثروت و موقعیت اجتماعی افراد حمایت می‌کند. آنها تمام تلاش خود را برای حفظ موقعیت سرمایه‌داران می‌کنند و می‌خواهند آنها را در این سیستم حفظ کنند. حسابداری انتقادی سعی دارد سیستم‌های اجتماعی را در قالب فرایندهای دموکراتیک و اجتماعی به سمت اهداف معین سوق دهد تا تمامی اعضای سیستم در ارزیابی پیامدها تأثیرگذار باشند. تحقیقات حسابداری انتقادی ایجاد این فرآیندها را تسهیل می‌نماید و رویکرد تفکر انتقادی در حوزه حسابداری مدیریت نیز اشاعه یافته است. همچنین حسابداری انتقادی، در پی آگاه‌سازی حسابداران از نتایج اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و با اتخاذ ساز و کارهایی در پی بهبود آن می‌باشد. هدف حسابداری انتقادی جلب توجه و تمرکز بر نقاطی است که به سبب روزمرگی و تکرار، مشروع جلوه داده می‌شوند. به علاوه آنان عینیت و بی‌طرفی حسابداران را زیر سؤال برده و معتقدند که تاکنون حسابداری از نظام‌های اجتماعی تحت کنترل دولت حمایت نموده است. در این تحقیق با مهم‌ترین مسئله‌ی موجود در بسیاری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که همانا حسابداری مدیریت به منظور ایجاد ساز و کارهای مدیریتی در سطوح مختلف، کارکنان و ذینفعان شامل سرمایه‌گذاران، مشتریان و سهامداران است، آغاز شد. از مشکلات و چالش‌های موجود در زمینه‌ی شفاف‌سازی، یکپارچه‌سازی و متناسب‌سازی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در

راستای پیاده‌سازی حسابداری مدیریت مبتنی بر اصول تفکر انتقادی هستند عبارتند از:

❖ عدم ایفای نقش فعال شرکت‌ها در راستای سیاست‌گذاری در زمینه‌ی الزامات حسابداری در سطوح مختلف شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به عنوان سیاست‌گذار، جهت‌دهنده، ایجادکننده حس و بینش و نگرش، برنامه‌ریز، آینده پژوهی و...؛

❖ ضعف در ایجاد ساز و کارها و بسترهای مورد نیاز در راستای یکپارچه‌سازی اطلاعات به منظور شفاف‌سازی فعالیت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران؛

❖ انجام نامناسب، غیرکارآمد و اشتباه ساز و کارهای مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران؛

❖ ضعف در استقرار سیستم‌ها و سامانه‌های نرم‌افزاری به منظور هدایت و راهبری سهامداران و مشتریان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران؛

❖ فقدان توجه به اصول حرفه‌ای در راستای مدیریت ذینفعان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

پس از تبیین چالش‌ها و دغدغه‌های موجود در زمینه‌ی بسترهای الزامات حسابداری مبتنی بر اصول انتقادی به ارائه‌ی مبانی نظری تحقیق و پژوهش‌ها و نظریه‌ها و مدل‌های مبنایی و تبیین روند مطالعات مرتبط با حسابداری مدیریت پرداخته شد. در بررسی و تحلیل نظریات سعی شد که مبانی و نظریه‌هایی مرتبط با حسابداری مدیریت استراتژیک و نحوه‌ی طراحی ساز و کارهایی مدیریتی مد نظر قرار داده بودند مورد بررسی قرار گیرند. همچنین در این بخش تاریخچه، تعاریف، اصول، مدل‌های حسابداری مدیریت استراتژیک بررسی شد و تئوری‌های سیستم اطلاعاتی از منظر تئوری پردازان حسابداری، حسابرسی، حسابرسی مدیریت و مدیریت استراتژیک مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. در مرحله‌ی بعد و در بخش کیفی با استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای به شناسایی ابعاد و

- پیشنهاد می‌شود الزامات حسابداری در قالب اسناد راهبردی و دستورالعمل‌ها، به صورت نظام‌مند تدوین و ابلاغ شود؛

- پیشنهاد می‌شود به منظور همراستایی و هم‌سویی اهداف و راهبردهای شرکت‌ها نسبت به توسعه‌ی نقش الزامات حسابداری مبتنی بر اصول انتقادی اقدام شود؛

- پیشنهاد می‌شود مدیران و اعضای هیئت مدیره به عنوان ارکان اجرایی شرکت‌ها نسبت به اهتمام اصول انتقادی در زمینه‌ی مالی و حسابداری اقدامات لازم را به عمل آورند؛

- پیشنهاد می‌شود به منظور کمی‌سازی اقدامات در قالب پلتفرم‌های سیستم‌های اطلاعات حسابداری در سطح شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نسبت به تدوین برنامه‌های عملیاتی مبتنی بر شاخص‌های در نظر گرفته مبتنی بر اصول انتقادی، تدوین و ابلاغ شود.

- پیشنهاد می‌شود به منظور ایجاد یکپارچگی، وحدت رویه و تسریع در پیگیری‌ها، ساختار مدیریت اطلاعات در کلیه سطوح و لایه‌های مختلف ساختاری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران شکل گیرد.

- پیشنهاد می‌شود با عنایت به الگوی مفهومی پارادایمی تحقیق و با عنایت به بحث و نتیجه‌گیری صورت پذیرفته، به جهت حداکثر نمودن ارزش شرکت و تداوم فعالیت و بقاء واحد اقتصادی، سازمان‌ها عوامل علی‌را که مجموعه عواملی هستند که بر روی پیاده‌سازی الگو تاثیر مستقیم دارند و علت ایجاد آن رویداد و پدیده می‌باشند را با توسعه تبادلات و ارتباطات از طریق فعال سازی شبکه‌های اجتماعی و توسعه سیستم‌های اطلاعاتی و ارتقاء سرمایه اجتماعی بهبود بخشیده و یا مستقر نمایند. حاکمیت شرکتی را از طریق عواملی چون سطوح تصمیم‌گیری، شفاف‌سازی و پاسخگویی پیاده‌سازی نمایند و رویکرد سیستماتیک خود را از طریق استقرار سیستم‌های اطلاعاتی و الزامات و استراتژی‌ها مورد بازبینی و تقویت قرار دهند. عوامل محوری را که عوامل اصلی و کلید واژه‌های اصلی

مؤلفه‌های مؤثر بر الزامات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. با توجه به اهداف اصلی تحقیق، الگوی پارادایمی تحقیق مبتنی بر نظریه داده بنیاد از طریق مصاحبه با خبرگان (۱۵ نفر از اساتید دانشگاه) ارائه گردید. عوامل شناسایی شده بر اساس تقسیم‌بندی نظریه داده بنیاد در بخش عوامل علی شامل توسعه تبادلات و ارتباطات، حاکمیت شرکتی و رویکرد سیستماتیک، عوامل محوری شامل ارتقاء رویکرد استراتژیک، تقویت شاخص‌های مدیریتی و اصول انتقادی و عوامل زمینه‌ساز شامل مدیریت ذینفعان و عوامل مداخله‌گر شامل شرایط محیطی و راهبردها شامل توسعه مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نیازسنجی استراتژیک، مقبولیت بخشی و مشروعیت بخشی و عوامل پیامدساز شامل توسعه سیستماتیک شاخص‌های مالی و رشد فزاینده سهم بازار می‌باشد که این عوامل و متغیرها می‌توانند مدیران عالی سازمانها را در به حداکثر نمودن ارزش شرکت‌ها و تداوم فعالیت و بقاء واحدهای اقتصادی یاری نمایند. نتایج کلی تحقیق نشان داد که حسابداری انتقادی یک شاخه مهم از علم حسابداری بوده که در آن تفکر انتقادی نقش مهمی دارد. در این سیستم حسابداری در حل تضادهای بین شرکت و مشارکت کنندگان اجتماعی مؤثر خواهد بود. حسابداری انتقادی رابطه مستقیمی با رویکردهای اجتماعی دارد. در واقع حسابداری منافع همه گروه‌ها را به طور کاملاً یکسان در نظر می‌گیرد. حسابداری که در این شاخه از حسابداری فعالیت می‌کنند به این مسئله باور دارند که حسابداری از ثروت و موقعیت اجتماعی افراد حمایت می‌کند. آنها تمام تلاش خود را برای حفظ موقعیت سرمایه‌داران می‌کنند و می‌خواهند آنها را در این سیستم حفظ کنند. با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهاد کاربردی ذیل به منظور بهره‌برداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارائه می‌گردد:

- پیشنهاد می‌شود اصول مربوط به دانش انتقادی در حوزه‌ی حسابداری برای مدیران در لایه‌های مختلف شرکت در قالب دوره‌های آموزشی ارائه شود؛

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. (3) 135.10-150.

دانایی فرد، حسن و امامی، مجتبی. (۱۳۸۶). روش تحقیق کیفی. انتشارات آدینه.

رضاپور، نرگس. (۱۳۹۳). آموزش انتقادی حسابداری در خدمت توسعه پایدار. *دانش و پژوهش حسابداری*، ۳۸، ۶۳-۹۱.

رهنمای رودپشتی، فریدون و رستمی مازویی، نعمت. (۱۳۹۵). مروری بر تئوری‌های روانشناسی در تحقیقات حسابداری مدیریت. *حسابداری مدیریت*، ۸(۲۶)، ۱-۲۰.

کرسول، جان. دبلیو، ک. (۱۳۹۰). روش‌های پژوهش ترکیبی. تهران: نشر آبیژ.

گافکین، میکائیل؛ مهتدی، اعظم و اصغری، ایرج. (۱۳۹۴). مروری بر تئوری‌های انتقادی حسابداری. *فصلنامه حسابداری*، ۵(۲)، ۵۹-۷۸.

مهتدی، اعظم؛ حجازی، رضوان؛ حسینی، سیدعلی و مومنی، منصور. (۱۳۹۷). به کارگیری تکنیک تحلیل مؤلفه‌های اصلی در داده‌های متغیرهای مؤثر بر بازده مالی مبتنی بر رویکرد مالی رفتاری. *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۰(۳۷)، ۲۵-۵۲.

محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). بررسی روش نظریه داده بنیاد. *فصلنامه پژوهش‌های کیفی*.

نظری، مونا؛ رهنمای رودپشتی، فریدونی؛ نیکومرام، هاشم و پورزمانی، زهرا. (۱۳۹۷). ارائه الگوی اصول یکپارچه حسابداری مدیریت مبتنی بر تفکر انتقادی. *حسابداری مدیریت*، ۱۱(۳۹)، ۶۷-۸۱.

نوری، شهرام. خدابخشی، خدیجه. زارعی، سمیرا. (۱۴۰۱). نقش حسابداران مدیریت بر شیوه‌های اجرایی حسابداری مدیریت استراتژیک. *فصلنامه تحلیل بازار سرمایه*. سال دوم شماره اول.

Beck, U. (1992). *Risk society: Towards a new modernity*. London, England: Sage Publications.

Bevir, M. (1999). Foucault, power and institutions. *Political Studies*, 47(2), 345-359.

Bucaro, A. (2019). Enhancing auditor's critical thinking in audits of complex estimates. *Journal of Accounting Organization and Society*, 73, 35-49.

الگو می‌باشند را شناسایی نموده و رویکرد استراتژیک خود را از طریق هم‌راستایی استراتژیک، رقابت پذیری استراتژیک، کنترل استراتژیک و تمرکز استراتژیک ارتقاء بخشند و شاخص‌های مدیریتی را با الهام بخشی، تیم محوری و برنامه ریزی مالی اصلاح نمایند و اصول انتقادی را با اخلاق حرفه‌ای، تعهد مسئولانه و پایبندی به اصول زیست محیطی رعایت نمایند. عوامل مداخله‌گر را که مجموعه عواملی هستند که از بیرون یا پیرامون سیستم بر آن تاثیر گذار هستند توسط شرایط محیطی و از طریق رعایت قوانین و مقررات دولتی و با عنایت به ساز و کارهای اقتصادی کشور و پیشران‌های محیطی، مدیریت و بهبود بخشند. عوامل زمینه‌ساز را که مجموعه عواملی که بسترهای پیاده‌سازی الگو را فراهم می‌نمایند از طریق مدیریت ذینفعان با اعتماد سازی، فرهنگ سازی و هدایت و راهبری کنترل نمایند همچنین در مقوله عوامل راهبردی که مجموعه استراتژی‌ها و راهکارهای مورد نیاز جهت پیاده‌سازی الگو می‌باشند، را توسط راهبردهای توسعه حرفه‌ای شامل توسعه مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نیازسنجی استراتژیک، مقبولیت بخشی و مشروعیت بخشی بررسی و شناسایی کنند و در نهایت با توسعه استراتژیک شرکت از طریق توسعه سیستماتیک، شاخص‌های مالی و رشد فزاینده سهم بازار، عوامل پیامد ساز را که عوامل مثبت و منفی منتج از پیاده‌سازی الگو می‌باشند را کنترل و مدیریت نمایند.

## منابع

خواجه‌وی، شکراله و نعمت الهی، زعیمه. (۱۳۹۹). رویکرد انتقادی و نقش آن در حسابداری. *حسابداری مدیریت*، ۱۳(۴۴)، ۷۳-۸۶.

پورعلی، محمدرضا. سام دلیری، بهنام. آذین فر، کاوه. (۱۴۰۲). تبیین مؤلفه‌های پیش‌برنده و بازدارنده اجتماعی شرکت‌ها جهت ارتقاء کیفیت صورت‌های مالی. *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، شماره ۵۷.

پورعلی، محمدرضا. حجامی، محدثه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و مالکیت نهادی در شرکت‌های

- Hoffmann, S. and Zulch, H. (2014). Lobbying on accounting standard setting in the parliamentary environment of Germany. **Critical Perspectives on Accounting**, 25(8), 709-723.
- Huber, W.D. (2015). The research–publication complex and the construct shift in accounting research. **International Journal of Critical Accounting**, 7(1), 1-48.
- Haynes, K. (2017). Accounting as gendering and gendered: A review of 25 years of critical accounting research on gender. **Critical Perspectives on Accounting**, 43, 110-124.
- Latif.N.E. Yusuf.F. (2018). The Application of Critical Thinking in Accounting Education: A Literature Review. **International Journal of Higher Education** 8(3):57.
- Mantzari, E. (2014). *Critical Accounting Histories: Exposing Contradictions in Social Reality—Review of Critical Histories of Accounting: Sinister Inscriptions in the Modern Era* by RK Fleischman, W. Funnell and SP Walker. **International Critical Thought**, 4(1), 98-107.
- Massingham, R.K. (2017). *The Role of accounting in legitimising the culture of the Australian construction industry*. Doctorate dissertation, University of Wollongong.
- Modell, S. (2017). Critical realist accounting research: In search of its emancipatory potential. **Critical Perspectives on Accounting**, 42, 20-35.
- Morales, J. and Sponem, S. (2017). You too can have a critical perspective! 25 years of Critical Perspectives on Accounting. **Critical Perspectives on Accounting**, 43, 149-166.
- Pourali, M.R., Dadashi, N., (2014), *The relationship between corporate governance mechanisms and profit smoothing*, *Tehnicki Vjesnik* this, 21(3), pp. 617–621
- Siegel.H. (2010). *Critical thinking*. Researchgate.
- Richardson, A.J. (2015). Quantitative research and the critical accounting project. **Critical Perspectives on Accounting**, 32, 67-77.
- Tueedi.H. (2018). *Critical thinking in accounting*. **Critical Perspectives on Accounting**
- Wolcott,S.K. Sargent,M. (2021). *Critical thinking in accounting education: Status and call to action*. **Journal of Accounting Education**, Volume 56.
- Bricker, R.J. and Previts, G.J. (1990). The sociology of accountancy: A study of academic and practice community schisms. **Accounting Horizons**, 4(1), 1–14.
- Brown, J. and Dillard, J. (2013). Agonizing over engagement: SEA and the death of environmentalism debates. **Critical Perspectives on Accounting**, 24(1), 1–18.
- Broadbent,J. (2002). *Critical Accounting Research: A View from England*. **Critical Perspectives on Accounting** 13(4):433-449.
- Brown, J. (2009). Democracy, sustainability and dialogic accounting technologies: Taking pluralism seriously. **Critical Perspectives on Accounting**, 20(3), 313–342.
- Burchell, S., Clubb, C., Hopwood, A., Hughes, J. and Nahapiet, J. (1980). *The roles of accounting in organizations and society*. **Accounting, Organizations and Society**, 5(1), 5–27.
- Burrell, G. and Morgan, G. (1979). *Sociological paradigms and organisational analysis*. Aldershot, England: Ashgate Publishing.
- Calma.A. Baird. V.C., (2021). *Assessing critical thinking in business education: Key issues and practical solutions*. *The International Journal of Management Education*, Volume 19.
- Chabrak, N. (2012). *Money talks: The language of the Rochester School*. **Accounting, Auditing & Accountability Journal**, 25(3), 452–485.
- Chalmers, A.F. (2013). *What is this thing called Science*. (4th ed.). Indianapolis, IN: Hackett Publishing Company.
- Chiapello, E. (2017). *Critical accounting research and neoliberalism*. **Critical Perspectives on Accounting**, 43, 47-64.
- Dillard, J. and Vinari, E. (2016). *A case study of critique: critical perspectives on critical accounting*. **Journal of Critical Perspectives on Accounting**, 43, 88-109.
- Gendrom, Y. (2018). *On the elusive of critical (Accounting) research*. **Journal of Critical Perspectives on Accounting**, 50, 1-12
- Gendron, Y. (2017). *Beyond conventional boundaries: Corporate governance as inspiration for critical accounting research*. **Critical Perspectives on Accounting**. 1-11.

**Proposing a role model of accounting obligations in companies accepted in Tehran stock exchange relying on critical financial knowledge**

Reza Mozaffari<sup>1</sup>  
Mohammad Reza Pourali\*<sup>2</sup>  
Mahmoud Samadi Largani<sup>3</sup>  
Seyyed Fakhreddin Fakhr Hosseini<sup>4</sup>

**Abstract**

*Paying attention to the principles and requirements of accounting in stock exchange companies is one of the distinguishing components from the perspective of financial knowledge, which helps company managers to make favorable and strategic decisions in order to achieve goals in accordance with professional ethics and attention. It is based on the principles of guidance and guidance, but the inclusion of requirements and principles that can raise the level of expectations of the stakeholders can bring this type of accounting to the desired results, relying on the principles of critical thinking that seeks persuasion and transparency. Financialization among the stakeholders includes the shareholders and customers of the companies; it is a suitable foundation and foundation for this, with the reviews of the researches related to the accounting requirements in the companies, paying attention to the role of knowledge. Critical finance has been neglected, for this purpose, in this article, this research gap is investigated and the factors affecting the accounting requirements in Tehran Stock Exchange companies are identified based on the principles of critical thinking, based on the opinions 15 experts, who have doctorate education with at least 20 years of experience, were selected as a purposeful and accessible sampling, in the form of a theoretical paradigm model. The foundation is provided. The results of the research showed that in the section of causal factors including the development of exchanges and communications, corporate governance and systematic approach, central factors include the promotion of strategic approach, strengthening of management indicators and critical principles, and underlying factors including the management of stakeholders and intervening factors including environmental conditions. In addition, the strategies include the development of social responsibility, strategic needs assessment, partial acceptability and partial legitimacy, and the resulting factors include the systematic development of financial indicators and the increasing growth of market share.*

**Keywords:** *Paradigm model, Accounting Obligation, Critical thinking, Principle*

---

<sup>1</sup>Ph.D Student of Accounting, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran .  
Rmozaffari803@gmail.com

<sup>2</sup>Associate Professor, Department of Accounting, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran  
(Corresponding Author) .Pourali@iauc.ac.ir

<sup>3</sup>Assistant Professor of Accounting Department, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon,  
Iranmstlargani@gmail.com

<sup>4</sup>Associate Professor of Accounting Department, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon,  
IranSf.fakhrhosseini@iau.ac.ir